

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
نیویارک، دهم جون ۲۰۱۰

## شرح و تحلیل چند لغت قدیم و جدید

(بخش دوم)

کارشناس - متخصص

تعزیر - تحریم

این قسمت بتاريخ ۳۱ می در برلین سر شد، که متأسفانه به آخر نرسید. اینک که در سفر بسر میبرم و گویا فرصتی هم در اختیار است، به تکمیلش میپردازم. چون منابع مورد نیاز در دسترس نیست، محتمل است که بعض نارسائیهها در نوشته رخ بدهد.

در بخش اول این سلسله مقدمه ذیل آورده شده بود:

« در بادی امر جداً میگویم و با تأکید هرچه تمام میگویم، که این بحث و بحوثی ازین قبیل، نه مخالفت با مردم کشور برادر ما "ایران" است، نه مخالفت با "فارسی ایران"، بلکه هدف برحذر داشتن "دری افغانستان" از اثرات سوء و ناگوار نیست، که از خارج افغانستان در تهاجم است، خواه از سرزمینهای همسایه ما باشد و یا از ماورای بحار. چون امواج بادهای تهاجم "فرهنگی و "زبانی" از طرف غرب در وزیدن و توفیدن است و میروند که "زبان دری" و حتی "زبان پشتو"ی ما را به صورت منفی متأثر کرده و حتی منقلب بسازد، باید به مقابله برخاست و به هیچ وجه اجازت نداد، که نحوه خاص "دری" و "پشتو"ی افغانی، از قالب تهی گردیده و بالوسیله ضربت تباهن و مهبیبی بر ارزشهای معقول و موجود فرهنگی و زبانی ما، وارد آورد!!!!!!

ایرانیان که شیفته و واله نحوه خاص "فارسی" خود اند - و این حق مسلم ایشان هم هست - نیز هرگز ویژه ورودی به لغات مروج دری ما مردم نمیدهند و زبان خود را آنطور که خود اراده کرده اند، می پرورند!!!!!! "دری افغانستان" هم به وجه احسن متکی بخود و به اصطلاح شیرین کابلی "از خود پوره" است و احتیاج به وامگیریهای "ناجائز" و "دور از تأمل" ندارد!!!!!!

لغت سازی کاریست، که در بین اهل زبان همیشه بوده و همچنان خواهد بود. درین مختصر بحث بر تاریخچه این فن شریف نیست و نه درین چند سطر معهود از جزئیات موضوع بحث میگردد. ضمن این سطور چند لغت قدیم و جدید دری افغانستان و فارسی ایران را به منظور خاصی تحلیل، بررسی و مقایسه میکنم.

با یک دید حتی سطحی و سرسری معلوم خواهد گردید، که مهارت کدام طرف، در چه حد است؟؟؟ و

کلاهداری و آئین سروری داند  
نه هرکه سر بترشد قلندری داند

نه هرکه ترک کله کج نهاد و تند نشست  
هزار معنی باریک تر ز موی اینجاست

و نه هرکه خامه زرین گرفت و بر حریر نوشت، معنای "خوب نگاشتن" را میداند!!!

و نه هرکه فرهنگستان زبان دایر ساخت، میتواند لغت خوب بیارید!!!...»

این تمهید را که هدف تقدیم این سلسله را بیان میکند، بحیث "مقدمه" تمام بخشها، پیش خواهم کشید. این نکته نیز ناگفته نماند، که بعضی دانشمندان برآزنده ایران هم بر ترکیبات نامناسب فارسی ایران ایرادها گرفته اند. در رأس همه، استاد روانشاد "داکتر خسرو فرشیدورد" است که ضمن آثار متعدد خود، از جمله "دستور مفصل امروز"، نمونه وار تعدادی از چنین ترکیبات ناقابل و ناباب را معرفی کرده و خلق خدا را از استعمال آنها برحذر داشته اند!!!!

در این قسمت، ترکیبات موعود در بخش اول را بررسی میکنم:

## کارشناس - متخصص - ماهر

"کارشناس" مخفف "کارشناسنده" (صفت فاعلی) و از ترکیبات جدیدیست که درین اواخر در ایران ساخته شده و در عوض لغت "متخصص" بکار برده میشود. حال باید دید که آیا این ترکیب واقعاً در حدی قرار دارد، که جانشین کلمه گرای "متخصص" گردد؟؟؟ من میگویم، که نه و آن هم بدلائل آتی:

"کارشناس" لغتاً یعنی "کسی که کار را میشناسد" و اگر دقیقتر گفته شود، "آنکه کار خود را می شناسد". این کلمه منطقیاً درست نیست، چون هر کسی که کار میکند، از کار خود آگاهی دارد و کار خود را میشناسد. و اگر اینطور نباشد، اصلاً نمیتواند کار کند. پس "کارشناس" به تمام کسانی که کار میکنند، اطلاق گردیده میتواند، خواه کارگر باشد و یا نفر فنی و یا انجنیر و داکتر در رشته ای، خواه در مقام شاگردی قرار داشته باشند و یا در حد استادی.

اما "متخصص":

"متخصص" اسم فاعل از مصدر "تخصص" (باب تفعّل) است که در مفهوم "آگاهی از خصوصیات کار" استعمال میگردد. پس "متخصص" آنست که "خصوصیتهای کار خود را درک کرده و بر تمام کیف و کان کار خود آگاه است". درینجا دقیقاً خط فاصل کشیده میشود بین اشخاص و کارگران عادی و آنانی که به خصوصیتهای کار وقوف دارند. یک "متخصص" حیثیت "خاص" در بین تمام تیم کار خود دارد.

کلمه عربی "ماهر" که اسم فاعل از مصدر "مهارت" است، به کسی اطلاق گردد، که در کاری "مهارت" دارد و چنین کسی معمولاً با اشخاص عادی و کارگران معمولی تفاوتی بسیار دارد.

با سیطره و استیلای غرب بر جهان، فرهنگ فرنگی نیز بسوی جهان پسمانده سرازیر گشت. مردم دنیای پسمان، راه دیگری نداشتند، مگر اینکه علم و فن و تکنالوجی پیشرفته غرب را بیاموزند. بدین مناسبت هزاران و بلکه ملیونها اصطلاح فرنگی در زبانهای جهان وامگیر ترجمه گردیدند. اینست که موضوع ترجمه در صدر اهمیت قرار گرفت، چون این همه دست آورد عصری تنها از طریق ترجمه در دسترس دنیای پسمان میتوانست قرار گیرد.

در زبان فارسی و دری نیز کوشیده شد، تا برای اصطلاحات علمی و فنی و تخنیکی فرنگی، اصطلاحاتی وضع کنند.\* در ابتداء حد اکثر اصطلاحات را هم در دری و هم در فارسی با استفاده از زبان عربی وضع کردند، چون این زبان نظر به خاصیت "اشتقاقی" خود، چنین زمینه ای را در حد احسن و اعلی مهیا ساخته بود و است. از همینرو اکثریت مطلق اصطلاحات جدید علمی و فنی در هر دو زبان، منشأ عربی دارند و عربی الاصل اند. این اما بدین معنی نیست، که همین کلمات عربی الاصل ساخته دست دری زبانان و فارسی زبانان افغانستان و ایران، واقعاً هم "عربی" اند و در بین اعراب تداول دارند. درین زمینه خاص که اکثریت مطلق "کلمات عربی" در زبان دری و فارسی مفاهیم "غیر عربی" دارند، باید مقالات مفصل و مستقل نوشت و این قلم به یاری خدا، بزودی بدین کار دست خواهد یازید.

کلمات "متخصص" و "ماهر" نیز از زمره همین اصطلاحات جدیدالاحداث اند، که در عوض کلمه Specialist انگریزی و معادلهای دیگر فرنگی آن وضع گردیده بودند. تا زمانی نچندان پیش، خلق الله ایران و افغانستان به همین اصطلاحات عادت کرده بودند، تا اینکه جنون "فارسی سازی کلمات عربی" مود روز اختیارداران کشور ایران و "فرهنگستان زبان" آن سامان قرار گرفت. همان بود، که برای اصطلاحات موجود و کاملاً مأنوس عربی الاصل، ترکیبات تازه و "مستحدث" فارسی ایجاد کردند. و این روند هنوز بشدت تمام جریان دارد. متأسفانه درین ضمن، در عوض ترکیبات مأنوس و معقول و معمول موجود، کلماتی را وضع کردند، که اکثری بدساخت و ناشامل اند و من ضمن این سلسله بدانها اشارت میکنم، کما اینکه ضمن سلسله مقالات دیگر نیز بدانها اشاره کرده ام.

ترکیب "کارشناس" نیز از همین سیاق کلمات است.

بعد ازین تحلیل که میشد دامنه اش را بیشتر ازین هم کشید، واضح میگردد، که ترکیب "کارشناس" نه تنها جانشین معقول کلمه "متخصص" بوده نمیتواند، بلکه ترکیببست "سست"، "نارسا" و "ناقص". امید است که هموطنان عزیزم، آنهایی که این تحلیل از حضور اشرفشان میگذرد، ازین به بعد از استعمال کلمه "کارشناس" خودداری کرده و "یوسف مصری" را به زر ناسره نروشند!!!!!!

## شاهراه - بزرگراه -

"های وی" Highway انگریزی و "اوتوبان" Autobahn المانی را در افغانستان "شاهراه" و مخففش "شهرراه" ترجمه کرده اند و این ترجمه ایست، کاملاً ممثل مزاج و طبیعت زبان دری. در زبان دری وقتی چیزی را از میان همگانش برجسته ساخته، بزرگتر و مهمتر جلوه دهیم، کلماتی از قبیل "شاه" و "سر" و "گاو" و "خر" و غیره را پیش یا پس از آن می افزائیم؛ چنانکه: "شاهرگ" را از "شاه" و "رگ" درست کرده ایم و "شاهسوار" را از "شاه" و "سوار"، "شاهجوی" را از "شاه" و "جوی"، "شاهدانه" را از "شاه" و "دانه"، "شاهتوت" را از "شاه" و "توت"،... و "گاو صندوق" را از "گاو" و "صندوق"، "گاو بالشت" را از "گاو" و "بالشت" و "گاو زنبور" را از "گاو" و "زنبور". همین قسم "خرگوش" از "گوش" با پیشوند "خر" برجسته ساخته شده است و با "خرسنگ" که با پیشوند "خر" و همین قسم ترکیبات "خرمن" و "خرگاه" و "خروار" و "خرزیره" و "خرمهره". برای اشخاص و انسانها معمولاً از پیشوند "سر" کار میگیرند، چنانکه "سرمنشی" میگوئیم و "سرکرده" و "سردسته" و "سرکار" و "سریاور" و "سر انجنیر" و "سر طبیب" و غیره. قسمی که در بالا تذکر داده شد، با آمدن فرهنگ و تمدن اروپائی، سیلی از کلمات جدید نیز به مشرقزمین سرازیر گردید. در زبان دری غالباً کوشیده شده که کلمات تازه وارد را از طریق ترجمه، تشریح کرده و عام فهم بسازند. متأسفانه که در اکثریت موارد، به ترجمه "باللفظ" و "تحت اللفظ" و "لغت به لغت" و "کلمه به کلمه" گرائیده شده است؛ در بعض موارد با مد نظر گرفتن مزاج و سابقه تداول ساخت کلمات در زبان دری، ولی در بسا موارد متأسفانه "بدون" این شرط.

از همین جمله است، کلمه "های وی" Highway انگلیسی و "اوتوبان" Autobahn المانی که در زبان دری افغانستان به شکل "شاهراه" ترجمه گردیده و در فارسی ایران بشکل "بزرگراه". در حالی که مطابق بشرح بالا، "شاهراه" با مزاج "زبان دری" و سابقه تداول "لغت سازی"، کاملاً سازگار است، ترکیب "بزرگراه" ازین قاعده عدول کرده و در واقع ترجمه لفظ به لفظ از "های وی" انگلیسی میباشد.

## بدون اما و اگر - بدون چون و چرا

ترکیب "چون و چرا" و استعمال شرطی آن بشکل "بدون چون و چرا" از مدتهاست که در نزد دری زبانان معلوم و مانوس است. این ترکیب معادل "بدون قید و شرط" است، که نیز در زبان ادبی دری تداول عام و تام دارد. اخیراً به ترکیبی برخوردیم، که از زبانهای فرنگی کاملاً باللفظ ترجمه گردیده است. این ترکیب ظاهراً "خوش خط و خال"، همانا "بدون اما و اگر" است که مستقیماً از ohne wenn und aber المانی و معادلهای دیگر فرنگی آن ترجمه گردیده است. این ترکیب بار اول در مقاله ای زیر عنوان "این بار مجسمه آزادی از شرم فرومی غلند" مؤرخ ۲۰ می ۲۰۰۹ پورتال AA-AA - "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - از نظرم گذشت. نویسنده نوشت:

«... غرب و امریکا تا زمانی که بلندیهای گولان در تصرف اسرائیل هستند و غرب درکل، از اسرائیل بدون اما و اگر پشتیبانی میکند...»

چنانکه بارها گفته و نوشته ام، "آسان ترین" شکل و در اکثر موارد "بدترین" ترجمه، ترجمه "لفظ به لفظ"، "باللفظ" و "تحت اللفظ" است، که مترجم "لفظ" را ترجمه میکند، نه "سخن" را. آری؛ در این نوع ترجمه، مترجم عین "لفظ" مورد ترجمه را مستقیماً به زبان خود ترجمه می نماید، بدون اینکه مزاج و تقاضای زبان خود را در نظر بگیرد. متأسفانه در بسا موارد، از طریق همین ترجمه های "تحت اللفظی" است که ترکیبات "هشت رخ نه گرد" وارد زبان ما گردیده و هیئت خوشنمای زبان ما را مکرر و مبتذل ساخته است.

اگر مترجمان و ترجمانان ارجمند "مزاج و طبیعت" و تداول اصطلاحات زبان خود - و از جمله تداول متقدمان مخم خود - را در نظر بگیرند، بدون شک برای بسا ترکیبات فرنگی، "معادل مناسب" دری خواهند یافت. مثلاً برای همین ترکیب ohne wenn und aber میتوانند از ترکیبات "بی قید و شرط" و یا "بدون چون و چرا"، استفاده نمایند.

## قوه - قوت - نیرو - انرژی - قدرت - توان

"قوه" که در بعض حالات در دری بشکل "قوت" نوشته میشود و "قدرت"، کلمات عربی اند، که در زبان دری استعمال وسیع دارند، هم در طبیعیات و هم در ساحات سیاسی و اجتماعی و عسکری و .... وقتی از "قوه" و "قدرت" در ساحات تطبیقی علوم طبیعی مثلاً "فزیک" سخن میگوئیم، باید جداً متوجه "تعریف" علمی و فزیکی موضوع باشیم.

"نیرو" کلمه دریست، که مراد از آن "زور" و "قوه" است. در فرهنگهای معمولی از قبیل عمید، "نیرو" را در معنای "قوت و زور و توانائی و قدرت" آورده اند، که از نگاه علمی و خصوصاً علوم طبیعی، خیلی تعریف "عامیانه" است.

از نگاه فزیک "قوه" و "نیرو" معادل هم اند و با "انرژی" و "کار" و "قدرت" تفاوت بسیار دارند. از همینرو atomic energy را نمیتوان "نیروی اتمی" ترجمه کرد، چنانکه در ایران کرده اند. تنها اگر فرض چنان باشد، که "نیرو" را معادل "انرژی" و "قدرت" قرار بدهند، در آن صورت ترکیبات "نیروی اتمی" و "نیروگاه برق" و امثالهم مفهوم درست علمی پیدا کرده میتوانند. در آن صورت مگر نمیتوان "نیرو" را در مفهوم "قوه" استعمال کرد. همین قسم ترکیب "قوه ذروی"، ترکیبست نادرست و غیر علمی.

چنانکه گفته شد، "قوه" کلمه عربیست، و جمعش "قواء" و "نیرو" (به یای مجهول) - و در فارسی ایران به یای معروف، چون فارسی امروزی ایران "یای مجهول" را نمی شناسد) معادل دری آن. در مواد درسی و تحصیلی افغانستان از بخت خوش و به اصطلاح شیک "خوشبختانه"، "قوه" و "قدرت" را همان قسمی که لازم و از نگاه فزیک درست است، بکار میبرند.

در تعامل عسکری و نظامی افغانستان، اصطلاحات دقیقاً مشخص گردیده اند. در قاموس اردوی افغانستان کلمه "نیرو" سراغ نمیگردد. ما کلمه عربی "قوه" را استعمال میکنیم، که بر همه ما معلوم هم هست. ما "قوای عسکری" میگوئیم و "قوای پیاده و قوای زره دار و قوای هوایی و قوای موتردار و قوای توپچی و غیره" و نه اینکه "نیروی نظامی" بگوئیم و "نیروی پیاده و نیروی زرهی و نیروی هوایی و نیروی خودرو و نیروی توپخانه و غیره" که تنها مخصوص اردوی ایران وضع گردیده اند!!!!!!  
ترکیب "قوه اتمی" و جمعش "قوای اتمی" اگر در ارتباط با مسائل "عسکری" یا "نظامی" باشد، درست است، اما اگر مراد از مسائل علم فزیک باشد، نادرست.

### **تحریم - تعزیر ، تحریمات - تعزیرات**

حدوداً ده سال پیش مقاله ای در جریده هفتگی "امید" نشر کرده بودم، که موضوع "تحریم و تعزیر" را بصورت تحلیلی و کاملاً کافی و شافی تشریح میکرد. چون در نظر دارم که همان شرح را درین سلسله عرضه کنم، ازینرو تقدیمش را به بخش بعدی محول میسازم؛ وقتی که بعد از برگشت به برلین، کلکسیون "امید" در دسترسم قرار گیرد.

### **در قسمت بعدی کلمات ذیل تشریح خواهند گردید:**

- موتر - ماشین - خودرو - سیاره
- تحریم - تعزیر ، تحریمات - تعزیرات
- هواپیما - طیاره - طائره
- آویزان - آوریزان - آبریزان
- چند اصطلاح عامیانه کابلی از قبیل:
- گوسپند گردن بسته
- سبزدامن - پاکدامن - تردامن
- و غیره

---

\* لطفاً در زمینه مقاله "ترجمانان چست و ترجمه های نادرست" این قلم را در آرشیف خلیل الله معروفی در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از نظر بگذرانید.!!!!